مبانى عقلى امر به معروف و نهى از منکر

محمد خطیبى کوشکک

چکیده

امر به معروف و نهى از منکر، در شمار شریف‏ترین وعظیم‏ترین واجبات در اسلام‏اند. اهمیّت و نقش این دوواجب، آنها را از حد یک واجب معمولى بالاتر برده، به درجه‏ضروریات دین رسانده است. قرآن مجید و روایات پیشوایان‏معصوم اسلام نیز با بیان‏هاى گوناگون از اهمیت ویژه وعُلُوّشان این دو اصل سخن گفته‏اند. از پرسشهاى اساسى‏درباره این دو فریضه این است که آیا وجوبِ امر و نهى عقلى‏است یا سمعى (شرعى)؟

دانشمندان اسلامى خصوصاً فقیهان و متکلمان شیعه دونظرگاه عقلى و سمعى بودن را در کتابهاى خود طرح کرده‏اند.عده‏اى از آنان از نظرگاه عقلى حمایت کرده، جمع بیشترى ازسمعى بودن این دو اصل پشتیبانى نموده‏اند. این نوشتار باپذیرش عقلى بودن امر به معروف و نهى از منکر، به برخى‏مبانى عقلى این دو واجب پرداخته است.

کلیدواژه: امر به معروف، نهى از منکر، واجبات دین،ضرورت، عقلى بودن امر به معروف و نهى از منکر.

مقدم

امر به معروف و نهى از منکر دو اصل اساسى از فروع دین و از مهمترین وعظیم‏ترین واجبات در اسلام و فقه اسلامى‏اند. ضرورت این دو اصل برتر ووالاتر از حد یک واجب معمولى است و در ردیف ضروریات دین قرار دارد.امام خمینى(ره) درباره اهمیت این دو فریضه چنین فتوا مى‏دهند:

این دو ]امر به معروف و نهى از منکر[ از والاترین و شریف‏ترین‏واجبات مى‏باشند و به وسیله آن دو ]دیگر[ واجبات برپا مى‏شوند. ووجوب اینها از ضروریات دین است که منکر آن درصورت توجه به‏لازمه انکار و ملتزم شدن به آن، از کفار به شمار مى‏رود.[1]

قرآن کریم و احادیث پیامبر اعظم(ص) و خاندان نبوت‏علیهم السلام نیز با تعابیر مختلف از اهمیت و عظمت شأن این دو واجب‏سخن گفته‏اند براى نمونه سخن یک آیه و چند روایت را به گوش جان‏مى‏شنویم:

کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلْنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِوَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ.

(آل‏عمران: 110)

شما بهتر امتى بودید که پدید آمدید (از این جهت که) امربه معروف و نهى از منکر مى‏کنید و به خدا ایمان دارید... .

آیه شریفه به دو دلیل: «امر به معروف و نهى از منکر» و «ایمان به خدا»جامعه اسلامى را سرآمد و نمونه جوامع بشرى معرفى مى‏کند.

پیامبر اکرم(ص) نیز دو فریضه «امر به معروف و نهى از منکر»را از برنامه‏هاى خداوند و پیامبر و کتاب آسمانى او دانسته، آمر و ناهى راجانشین خداوند، پیامبر(ص) و قرآن مى‏شناساند:

مَن اَمَرَ بالمَعروفِ وَ نَهى عَنِ المُنکَرِ فَهُوَ خَلیفَةُ اللَّهِ فى أَرضِهِ وَ خَلیفةُرَسُولِ اللَّهِ وَ خَلیفةُ کِتابه.[2]

هر کس به معروف فرمان دهد و از منکر بازدارد پس او جانشین‏خداوند در زمین و جانشین پیامبر خدا و جانشین کتاب او است.

امام على(ع) در مقایسه تمام خوبى‏ها و جهاد فى سبیل الله باامر به معروف و نهى از منکر، همه آنها را مانند قطره در برابر دریاى عمیق‏دانسته، مى‏فرماید:

وَ ما اَعمالُ البِرِّ کُلُّها والجِهادُ فى سَبیلِ اللَّهِ عِندَ الاَمرِ بِالمَعروفِ وَالنَّهىِ‏عَنِ المُنکَرِ اِلّا کَنَفثَةٍ فى بَحرٍ لُجّىٍّ.[3]

تمام کارهاى خوب و جهاد در راه خدا نزد امر به معروف و نهى ازمنکر غیر از قطره ]آب دهان[ در برابر دریاى عمیق نیست.

شاید سرّ عظمت این دو واجب آن باشد که مانایى و پایایى تمامى واجبات‏و پویایى آنها با حدود و شرایطشان بر ماندگارى و استمرار این دو فریضه‏استوار است.

با وجود اهمیت ویژه امر به معروف و نهى از منکر در آموزه‏هاى اسلامى،با تأسف مى‏توان گفت این دو فریضه جایگاه شایسته خود را پس از سه دهه‏انقلاب اسلامى در کشور ما پیدا نکرده‏اند و مى‏توان از آنان به عنوان «واجبات‏فراموش شده» یاد کرد. رسالت علما و روحانیون در احیا و ترویج این‏فریضه‏ها نقش کلیدى دارد و کوتاهى آنان در این امر خسارت جبران‏ناپذیرى‏براى دنیا و آخرت به دنبال خواهد داشت. در این نوشتار براى تأکید براهمیت فریضه نظارت همگانى بر آن شدیم تا مبانى عقلى این دو واجب رابررسیده، جایگاه و منزلت واقعى‏شان را از نگاه عقل بازشناسى و معرفى‏نماییم.

از پرسشهاى اساسى که از دیرباز توجه اندیشمندان مسلمان را در باب امربه معروف و نهى از منکر به خود متوجه کرد این بود که آیا وجوب امر به‏معروف و نهى از منکر عقلى است یا سمعى (شرعى)؟

برخى از دانشوران نامدار شیعه مانند: شیخ طوسى، علامه حلّى، فاضل‏مقداد، شهید اول و دوّم و... وجوب امر و نهى را عقلى دانسته‏اند. اینان حاکم‏به وجوب امر و نهى را عقل، و آیات و روایات مربوطه را مؤید و مؤکد حکم‏عقل مى‏دانند. در مقابل جمع دیگرى از دانشمندان شیعى مانند: سید مرتضى،محقق حلّى، صلاح‏الدین حلبى، علامه نصیرالدین طوسى، محقق کرکى، فخرالمحققین و... وجوب امر و نهى را سمعى دانسته‏اند. ایشان معتقدند این دوفریضه از جانب شرع واجب شده‏اند نه عقل.

علماى اسلامى طرفدار نظرگاه وجوب عقلى امر و نهى، براى تبیین وتوجیه این مسئله به اجمال به قاعده لطف و دفع ضرر اشاره کرده، دامنه بحث‏را در ابعاد مختلف آن دراز نکرده‏اند. متکلمان اسلامى نیز در این باره به‏مختصرى از بیان دلیل عقلى و نقد و بررسى آن بسنده کرده، از تفصیل مباحث‏دورى نموده‏اند.

این مقاله با توجه به آیات و روایات باب امر به معروف و نهى از منکر وبرخى کتابهاى اندیشمندان مسلمان در این موضوع، با حمایت از نظرگاه‏عقلى بودن امر و نهى تعدادى از مهم‏ترین مبناهاى عقلى امر به معروف و نهى‏از منکر را جستجو کرده، با شرحى کوتاه‏تقدیم مى‏دارد.

مبانى عقلى امر به معروف و نهى از منکر

سنگ بناى عقلى بودن امر و نهى قاعده معروف «لطف» است. علماى کلام درتعریف این قاعده گفته‏اند: لطف چیزى است که مکلف را به طاعت نزدیک‏ترو از معصیت دورتر سازد، به شرط آنکه از وسایل انجام کار نباشد و به‏اضطرار نیز نرسد.[4]

فقیهان و عالمان اهل کلام طرفدار وجوب عقلى امر و نهى چنین استدلال‏مى‏کنند: عقل براساس قاعده لطف درباره وجوب امر به معروف و نهى ازمنکر استقلال دارد. عقل به‏تنهایى حکم مى‏کند که امر به نیکى‏ها و نهى ازبدیها واجب و لازم است. بنابراین وجوب این دو فریضه «عقلى» است.[5]

بنابر وجوب عقلى امر و نهى این پرسش پدید مى‏آید که عقل براساس چه‏اصول و مبانى‏اى حکم به لزوم امر به معروف و نهى از منکر مى‏کند؟

در پاسخ به این پرسش کلیدى با تأمل در ماهیت و حقیقت مسئله امر به‏معروف و نهى از منکر و اطلاعات و اخبار موجود در این باب برخى ازمهم‏ترین مبناهایى که عقل براساس آنها به داورى در این باره مى‏رسد در ادامه‏مبحث آمده‏اند:1 . تحریرالوسیله، مترجم، ج 2، ص 285.2 . مجمع البیان، طبرسى، ج 2، ص 484.3 . نهج‏البلاغه، فیض‏الاسلام، ص 1263.4 . فرهنگ شیعه (کلام5 . امر به معروف و نهى از منکر، آیت‏الله نورى همدانى، مترجم محمدى اشتهاردى، چاپ اول(قم، 1367

حفظ نظام اجتماع

انسان موجودى اجتماعى است. چیزى که قوام اجتماع انسانى را تأمین‏مى‏کند و جامعه را زنده و پویا نگه مى‏دارد مراعات قوانین و بایدها و نبایدهااست. بى‏اعتنایى به قانون و ارزشها، سبب اختلال نظام و فروپاشى اجتماع‏مى‏گردد و معضلات فراوانى را براى فرد و جامعه به همراه مى‏آورد. از این‏رو، عقل حکم مى‏کند براى صیانت از کیان جامعه اسلامى همه شهروندان‏اولا باید خود عامل به معروف‏ها و دورى کننده از منکرات باشند و ثانیاًدیگران را نیز به انجام معروف‏ها و خوبى‏ها واداشته، از ارتکاب منکرات وبدیها بازدارند.

پیامبر گرامى اسلام(ص) در بیانى رسا افراد جامعه را به‏مسافران کشتى تشبیه مى‏کند و در توضیح آن مَثَل چنین مى‏فرماید:

یک فرد گنهکار، در میان مردم همانند کسى است که با جمعى سوارکشتى شود و به هنگامى که در وسط دریا قرار گیرد تبرى برداشته به‏سوراخ کردن موضعى که در آن نشسته است بپردازد. و هرگاه به اواعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف مى‏کنم! اگردیگران او را از این عمل خطرناک بازندارند، طولى نمى‏کشد که آب‏دریا به داخل کشتى نفوذ کرده و یکباره همه ساکنان کشتى را به همراه‏کشتى در دریا غرق مى‏کند.[1]

دفع ضر

بنابر نظر عالمان شیعى احکام و شریعت اسلامى براساس مصالح و مفاسد ازسوى آفریدگار حکیم وضع شده‏اند که تأمین کننده سعادت فرد و جامعه‏مى‏باشند.

بنابراین، عدم التزام افراد و جوامع به احکام اسلامى و مراعات نکردن‏بایدها و نبایدها و واجبات و محرمات و اخلاق اسلامى، مانع رسیدن آنها به‏تکامل و سعادت واقعى است. از همین رو، عقل سلیم قضاوت مى‏کند که‏افراد با پایبندى به شریعت و رعایت حلال و حرام و فضائل و رذائل،مى‏توانند خود را از خسران ابدى حفظ کرده و با امر به معروف و نهى از منکرجامعه را از افتادن در هلاکت و خسارت بازدارند.

مرحوم امین‏الاسلام طبرسى معتقد است وجوب امر و نهى سمعى است،اما تنها دلیل عقلى براى وجوب امر به معروف و نهى از منکر دفع ضرر است.ایشان در تفسیر آیه 104 سوره آل عمران چنین مى‏نویسد:

وَ فى هذِهِ الْآیَةِ دَلالَةٌ عَلى وُجُوبِ الْاَمرِ بِالمَعروفِ وَالنَّهىِ عَنِ المُنکَرِ وَعِظَمِ مَوقِعِهِما وَ مَحلِّهِما مِنَ الدّینِ لِاَنَّهُ تَعالى عَلَّقَ الفَلاحَ بِهِما...وَالصَّحیحُ اَنَّ ذلِکَ اِنَّما یَجِبُ فِى السَّمعِ وَ لَیسَ فِى العَقلِ ما یَدُلُّ عَلىوُجُوبِهِ اِلّا اِذا کانَ عَلى سَبیلِ «دَفعِ الضَّرَرِ».[1]

جلوگیرى از شیوع فسا

دانشمندان به این مسئله اذعان دارند که عامل عمده سقوط فرهنگ‏ها وتمدن‏ها، رواج منکرات و فساد اخلاق است. «ساموئل اسمایلز» ازنویسندگان جهان غرب در کتاب خود به نام «اخلاق» مى‏گوید: علت سقوطتمدن روم، عیّاشى و بى‏بند و بارى و به تعبیر بهتر «رواج منکرات و فساد»بوده است. مورخان، علت اساسى سقوط اُندُلس و شکست سپاهیان مسلمان‏از اروپائیان را نیز شیوع گناه و منکرات دانسته‏اند. سپاهیان متدین مسلمان که‏با ساده‏زیستن انس داشته‏اند، در دام زنهاى بدکاره اروپائى افتاده، غرق درتجمّلات و عیش و نوش حرام شدند. قرآن کریم در آیات متعددى مسلمانان‏را به «سیروا فى الارض» فراخوانده است. خداوند در این آیه‏ها به مسلمانان‏دستور مى‏دهد در زمین سیر کنید تا سقوط تمدن‏ها و جوامع را ببینید و درعلت آن تفکر نمایید.

بنابراین عامل عمده‏اى که مى‏تواند جوامع و فرهنگ‏ها را به انحطاط وسقوط بکشاند، رواج گناه و فساد است. گناه همچنین مى‏تواند فرد و خانواده‏را نیز به تباهى و هلاکت برساند. به همین دلیل عقل سالم قضاوت مى‏کند که‏جامعه، خانواده و فرد براى رسیدن به سلامت، رشد و کمال، باید از منکرات‏پرهیز کرده، با نظارت همگانى از شیوع فساد و فحشا در جامعه جلوگیرى‏نمایند.

دشمنان انقلاب و نظام مقدس جمهورى اسلامى ایران که به کارآمدى‏اشاعه فحشا و فساد در براندازى نرم انقلاب اسلامى باور دارند، بابرنامه‏ریزى و صرف بودجه‏هاى هنگفت در تلاشند جامعه و به ویژه‏نسل‏هاى جوان ما را به بى‏بند و بارى و فساد اخلاقى و نفرت از معروف‏ها وارزش‏هاى اسلامى سوق دهند. مشاهده بعضى از حرکتهاى فسادآور وشبیخون فرهنگى در شهرها و روستاها به وضوح نشان مى‏دهد که دشمنان‏نظام با تمام قوا و ابزار و برنامه‏هاى زنجیره‏اى درصدد گرفتن انتقام از ملت‏مسلمان ایران با ترویج فساد و اشاعه منکرات هستند. آنها با اقدامات‏خرابکارانه و فسادآفرین در پى آنند که روح غیرت، ایمان و شجاعت را ازنسل نو گرفته، انقلاب اسلامى را به شکست بکشانند. قرآن مجید بى‏اعتنایى‏به ایمان و تقوا را سبب خشم الهى و هلاکت امت‏ها دانسته، مى‏فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّماءِوَالْأَرْضِ وَلکِن کَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ. (اعراف:96)

اگر ساکنان آبادى‏ها ایمان آورده و پرهیزکارى مى‏کردند البته‏برکت‏هایى از آسمان و زمین بر آنها مى‏گشودیم اما آنها تکذیب کردنداز همین رو آنها را به سبب آن‏چه به دست آوردند مؤاخذه کرده‏ایم.

پیامبر(ص) نیز در سخن آینده‏نگرانه‏اى خطر شیوع فساد به‏سبب ترک امر به معروف و نهى از منکر را چنین ترسیم کرده‏اند:

کَیفَ بِکُم اِذا فَسَدَ نِساءُکُم وَ فَسَقَ شُبَّانُکُم وَ لَم تَأمُرُوا بِالمَعرُوفِ وَ لَم‏تَنهَوا عَنِ المُنکَرِ؟ قیلَ لَهُ وَ یَکُونُ کَذلِکَ یا رَسولَ اللَّهِ؟ قالَ: نَعَم وَ شَرٌّمِن ذلِکَ... .[1]

چگونه خواهید بود زمانى که زنانتان فاسد شوند و جوانانتان فاسق‏گردند و شما امر به معروف نکنید و از منکر بازندارید؟ گفته شد اى‏رسول خدا چنین چیزى خواهد شد؟ فرمود:

بله و بدتر از آن... .

امیر مؤمنان علیه‏السلام هم از بى‏تفاوتى مردم زمان خود نسبت به امر ونهى و شیوع فساد چنین شِکوِه دارد:

ظَهَرَ الفَسادُ فَلا مُنکِرٌ مُغَیِّرٌ وَ لا زاجِرٌ مُزدِجِرٌ أَفَبِهذا تُریدُونَ اَن تُجاوِرُااللَّهَ فى دارِ قُدسِهِ وَتَکُونُوا اَعَزَّ اَولِیاءِهِ عِندَهُ؟[2]

فساد و تباهکارى نمایان شده است، ]در عین حال[ شخصى نیست که‏آن را تغییر دهد و نه منع‏کننده‏اى که از آن بازدارد. با این حال‏مى‏خواهید ]و توقع دارید[ در جوار رحمت خدا در خانه قدس اوقرار گیرید و از عزیزترین دوستان نزد او باشید؟!1 . تحف العقول، ابن شعبه حرانى، ص 49.2 . نهج‏البلاغه، خطبه 129.

منع تسلط اشرا

سلامت جامعه اسلامى در گرو مدیریت مدیران و کارگزاران صالح وارزشگرا است. اگر مسئولان جامعه دین‏مدار و ارزش‏سالار باشند مى‏توان به‏توسعه و پیشرفت مادى و معنوى جامعه و گسترش عدالت همه‏جانبه‏امیدوار بود. این مهم در صورتى محقق مى‏شود که امت اسلامى و شهروندان‏جامعه اسلامى با نظارت همگانى و عزم ملى حافظ و نگاهبان ارزش‏ها باشندو بر روند به قدرت رسیدن مدیران نظارت داشته باشند. اما اگر مردم نسبت به‏خوبى‏ها و بدى‏ها و ارزشهاى معنوى و احکام اسلامى و مجریان آنها بى‏اعتناباشند و بر روند مدیریت جامعه نظارت مسئولانه نداشته باشند، منکرات وضد ارزش‏ها در جامعه رونق یافته، و در نتیجه انسانهاى شرور و نااهلان برمقدرات جامعه و مناصب اجتماعى دست پیدا مى‏کنند.

به همین دلیل عقل ناب تشخیص مى‏دهد که براى پیشگیرى از قدرت‏یافتن نااهلان و سلطه اشرار بر جامعه اسلامى لازم است آحاد مردم به ویژه‏نخبگان و خواص مراقب باشند و با انجام به موقع امر به معروف و نهى ازمنکر زمینه حاکمیت پیدا کردن اشرار و نااهلان را در جامعه از میان بردارند.مولاى متقیان على علیه‏السلام در آخرین وصیت خود پس از ضربت شب‏نوزدهم ماه مبارک رمضان سال چهل هجرى به فرزندان محبوبش امام حسن‏و امام حسین علیهماالسلام و همه کسانى که این وصیت بدانان مى‏رسد،فرمودند:

لا تَترُکُوا الاَمرَ بِالمَعرُوفِ وَالنَّهىَ عَنِ المُنکَرِ فَیُوَلّى عَلَیکُم شِرارُکُمْ ثُمّ‏تَدعُونَ فَلا یُستَجابَ لَکُم.[1]

امر به معروف و نهى از منکر را ترک نکنید، چون بَدان شما بر شماحاکمیت مى‏یابند آنگاه خداوند را مى‏خوانید اما براى شما اجابت‏نمى‏شود.

مصونیت از غضب اله

وانهادن امر به معروف و نهى از منکر و بى‏تفاوتى و ترک آنها باعث‏مى‏شود گناهان و منکرات در جامعه رواج یافته، خوبى‏ها و معروف‏ها مغفول‏و یا دگرگون شوند. جامعه‏اى که در آن ارزش‏ها کم‏رنگ شوند و ناهنجارى وبزهکارى‏ها گسترش پیدا کنند، دچار غضب و خشم الهى مى‏شود و ازرحمت‏هاى بى‏شمار الهى محروم مى‏گردد. قرآن مجید در آیات پرشمارى به‏این آسیب بزرگ اجتماعى اشاره کرده، مسلمانان را از عواقب ناگوار و تلخ آن‏برحذر داشته است.[1] روایات فراوانى نیز نسبت به این خطر بزرگ هشدارداده‏اند که براى نمونه سخنى از پیامبر بزرگ اسلام(ص) رایادآور مى‏شویم:

لا تَزالُ اُمّتى بِخَیرٍ ما اَمَرُوا بِالمَعروفِ وَ نَهَوا عَن المُنکَرِ وَ تَعاوَنُوا عَلَى‏البِرِّ، فَاِذا لَم یَفعَلُوا ذلِکَ نُزِعَت مِنهُمُ البَرَکاتُ و سَلَّطَ بَعضُهُم عَلىبَعضٍ وَ لَم یَکُن لَهُم ناصِرٌ فِى الاَرضِ وَ لا فِى السَّماءِ.[2]

امت من - مادامى که به معروف امر مى‏کنند و از منکر بازمى‏دارند و برنیکى همدیگر را یارى مى‏رسانند - به خیر هستند، امّا آنگاه که آنها راانجام ندهند ]امر و نهى نکنند[ برکت‏ها از آنها کنده مى‏شود و بعضى‏از آنها بر بعضى دیگر سلطه پیدا مى‏کنند و هیچ پشتیبانى براى آنها درزمین و نه در آسمان نخواهد بود.

با توجه به چنین پى‏آمد ناگوارى عقل حکم مى‏کند که شهروندان جامعه‏اسلامى براى مصونیت از غضب الهى و محرومیت از برکات مادى و معنوى‏باید با رعایت تقوا و پارسایى از اصل نظارت همگانى استفاده کرده، جامعه رااز فرو افتادن در معصیت‏ها و فحشا بازدارند1 . ر. ک: انعام، آیه 6؛ مؤمن، آیه 21؛ انفال، آیه 52 و... .2 . وسائل الشیعة، شیخ حر عاملى، ج 11، ص 398.

پیشگیرى از دگرگونى ارزش‏ها

ارزش‏ها از سویى از لحاظ فردى، درونى‏ترین لایه‏هاى شخصیت انسان‏اند.شناخت شخصیت واقعى اشخاص در گرو شناخت ارزش‏ها و گرایش‏هاى‏ارزشى آنان است. از دیگر سو، ارزشها تأثیر چشمگیرى در ابعاد مختلف‏زندگى سیاسى، اجتماعى، اقتصادى، فرهنگى و... جامعه دارند. ارزشها عامل‏مهم وحدت و همگرایى اجتماعى هستند. انتقال ارزشها سبب پیوستگى‏فرهنگى میان نسلها مى‏گردد. از این رو، نادیده گرفتن ارزشها و باید و نبایدهاپیامدهاى ناگوارى را به دنبال دارد. ناگوارترین صورت نادیده گرفتن‏ارزش‏ها آنگاه است که ارزشهاى حاکم بر جامعه ارزش‏هاى الهى باشند. بانادیده گرفتن این نوع از ارزشها نه تنها سلامت مادى فرد و جامعه بلکه‏سعادت معنوى آنها نیز از میان مى‏رود و طبعاً ظهور کمالات انسانى نیز ازجامعه رخت برمى‏بندد.[1]

با توجه به اهمیت ارزشها و عواقب ناگوارِ دگرگونى و تغییر آنها ازراهکارهاى کارآمد، حفاظت از ارزشها فراگیر شدن اجراى امر به معروف ونهى از منکر در جامعه است. بنابراین عقل دوراندیش حکم مى‏کند که براى‏پیشگیرى از دگرگونى و تغییر ارزشها و در نتیجه از میان رفتن امنیت‏اجتماعى و شایع شدن فساد و تباهى، باید از این دو فریضه بزرگ امر به‏معروف و نهى از منکر بیشترین بهره را گرفت. اگر امر و نهى در جامعه تعطیل‏گردند و مورد بى‏مهرى قرار گیرند، چنانکه پیامبر اعظم(ص)هشدار داده‏اند، ارزشها تغییر کرده، منکرات جایگزین آنها مى‏گردد:

... ]قال(ص)[: وَ کَیفَ بِکُم اِذا اَمَرتُم بِالمُنکَرِ وَ نَهَیتُم عَنِ‏المَعروفِ؟ قیلَ یا رَسولَ اللَّه(ص) وَیَکُونُ ذلِکَ؟ قالَ: نَعَم‏وَ شَرٌّ مِن ذلِکَ. وَ کَیفَ بِکُم اِذا اَرَاَیتُمُ المَعرُوفَ مُنکَراً وَالمُنکَرَمَعرُوفاً.[2]

مقام معظم رهبرى در سخن حکیمانه‏اى چنین مى‏فرماید:

... بدترین خطرها این است که یک روزى در جامعه گناه به عنوان‏ثواب معرفى شود. کار خوب به عنوان کار بد معرفى شود. فرهنگهاعوض شود، این، خطر خیلى بزرگى است. وقتى امر به معروف و نهى‏از منکر در جامعه رایج باشد، این باعث مى‏شود گناه در نظر مردم‏همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود.[3]�زش‏ها از سویى از لحاظ فردى، درونى‏ترین لایه‏هاى شخصیت انسان‏اند.شناخت شخصیت واقعى اشخاص در گرو شناخت ارزش‏ها و گرایش‏هاى‏ارزشى آنان است. از دیگر سو، ارزشها تأثیر چشمگیرى در ابعاد مختلف‏زندگى سیاسى، اجتماعى، اقتصادى، فرهنگى و... جامعه دارند. ارزشها عامل‏مهم وحدت و همگرایى اجتماعى هستند. انتقال ارزشها سبب پیوستگى‏فرهنگى میان نسلها مى‏گردد. از این رو، نادیده گرفتن ارزشها و باید و نبایدهاپیامدهاى ناگوارى را به دنبال دارد. ناگوارترین صورت نادیده گرفتن‏ارزش‏ها آنگاه است که ارزشهاى حاکم بر جامعه ارزش‏هاى الهى باشند. بانادیده گرفتن این نوع از ارزشها نه تنها سلامت مادى فرد و جامعه بلکه‏سعادت معنوى آنها نیز از میان مى‏رود و طبعاً ظهور کمالات انسانى نیز ازجامعه رخت برمى‏بندد.+++عوامل مؤثر در انحراف از ارزشها، شمس‏الله مریجى، چاپ اول (مرکز پژوهشهاى‏اسلامى صدا و سیما، 1382ش+++

با توجه به اهمیت ارزشها و عواقب ناگوارِ دگرگونى و تغییر آنها ازراهکارهاى کارآمد، حفاظت از ارزشها فراگیر شدن اجراى امر به معروف ونهى از منکر در جامعه است. بنابراین عقل دوراندیش حکم مى‏کند که براى‏پیشگیرى از دگرگونى و تغییر ارزشها و در نتیجه از میان رفتن امنیت‏اجتماعى و شایع شدن فساد و تباهى، باید از این دو فریضه بزرگ امر به‏معروف و نهى از منکر بیشترین بهره را گرفت. اگر امر و نهى در جامعه تعطیل‏گردند و مورد بى‏مهرى قرار گیرند، چنانکه پیامبر اعظم(ص)هشدار داده‏اند، ارزشها تغییر کرده، منکرات جایگزین آنها مى‏گردد:

... ]قال(ص)[: وَ کَیفَ بِکُم اِذا اَمَرتُم بِالمُنکَرِ وَ نَهَیتُم عَنِ‏المَعروفِ؟ قیلَ یا رَسولَ اللَّه(ص) وَیَکُونُ ذلِکَ؟ قالَ: نَعَم‏وَ شَرٌّ مِن ذلِکَ. وَ کَیفَ بِکُم اِذا اَرَاَیتُمُ المَعرُوفَ مُنکَراً وَالمُنکَرَمَعرُوفاً.+++تحف العقول، ص 49.+++

مقام معظم رهبرى در سخن حکیمانه‏اى چنین مى‏فرماید:

... بدترین خطرها این است که یک روزى در جامعه گناه به عنوان‏ثواب معرفى شود. کار خوب به عنوان کار بد معرفى شود. فرهنگهاعوض شود، این، خطر خیلى بزرگى است. وقتى امر به معروف و نهى‏از منکر در جامعه رایج باشد، این باعث مى‏شود گناه در نظر مردم‏همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود.+++خطبه نماز جمعه، تاریخ 1379 / 9 / 25 شخطبه نماز جمعه، تاریخ 1379 / 9 / 25 ش.++1 . عوامل مؤثر در انحراف از ارزشها، شمس‏الله مریجى، چاپ اول (مرکز پژوهشهاى‏اسلامى صدا و سیما، 1382ش2 . تحف العقول، ص 49.3 .

پاسدارى از حیات طیبه اجتماعى و مدینه فاضله اسلام

انسان علاوه بر حیات مشترکى که با سایر موجودات عالم طبیعت دارد،مى‏تواند با ایمان به خدا و انجام اعمال نیک و انجام فرایض و ترک نواهى الهى‏به درجه بالاترى از حیات برسد که قرآن مجید از آن به «حیات طیبه» یاد کرده‏است:

مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیَاةً طَیِّبَةً... .(نحل: 97)

مرحوم علامه طباطبائى در این باره چنین توضیح مى‏دهد: این جمله‏دلالت دارد که خداوند مؤمنِ داراى عمل صالح را اکرام کرده، حیات جدیدى‏غیر از حیات مشترک با سایر مردم به او افاضه مى‏کند. این حیات یک حیات‏مجازى نیست، چون آیاتى که به این حیات پرداخته‏اند آثار حقیقى را بر آن‏مترتب کرده‏اند.

بنابراین، این زندگانى، زندگانى حقیقیّى است که داراى آثار ویژه‏اى است‏که خداوند آن آثار را بر آن مترتب نموده است. این حیات اختصاص به‏مؤمنانى دارد که از اعمال صالح برخوردارند. بنابراین این حیات، زندگانى‏نوى است که از سوى خداوند سبحان به مؤمنان افاضه مى‏شود.[1] این حیات‏چنانکه به نص قرآن اختصاص به مردان مؤمن ندارد، اختصاص به فرد مؤمن‏هم ندارد، بلکه جامعه اسلامى نیز اگر ایمان محور و عامل به واجبات و تارک‏محرمات باشد و در مسیر شریعت اداره گردد نیز تبدیل به حیات طیبه‏اجتماعى و مدینه فاضله اسلامى مى‏شود.

از راه‏هاى کارآمد براى ایجاد و پاسدارى از مدینه فاضله و حیات طیبه‏اجتماعى همگانى شدن امر به معروف و نهى از منکر در جامعه است. ازهمین رو، عقل حکم مى‏کند براى رسیدن به حیات طیبه اجتماعى و تأسیس‏مدینه فاضله اسلامى و حراست و نگاهبانى از آن، امر به معروف و نهى ازمنکر از غربت درآید و نظارت همگانى در جامعه اسلامى احیا شود وگسترش پیدا کند. مولاى موحدان، امام على علیه‏السلام ترک کنندگان امر ونهى را مرده‏اى متحرک دانسته، مى‏فرماید: «مَنْ تَرَکَ انکارَ المُنکَرَ بِقَلبِهِ وَ یَدِهِ وَلِسانِهِ فَهُوَ مَیِّتٌ بَینَ الاَحیاءِ.»[2]�سان علاوه بر حیات مشترکى که با سایر موجودات عالم طبیعت دارد،مى‏تواند با ایمان به خدا و انجام اعمال نیک و انجام فرایض و ترک نواهى الهى‏به درجه بالاترى از حیات برسد که قرآن مجید از آن به «حیات طیبه» یاد کرده‏است:

مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیَاةً طَیِّبَةً... .(نحل: 97)

مرحوم علامه طباطبائى در این باره چنین توضیح مى‏دهد: این جمله‏دلالت دارد که خداوند مؤمنِ داراى عمل صالح را اکرام کرده، حیات جدیدى‏غیر از حیات مشترک با سایر مردم به او افاضه مى‏کند. این حیات یک حیات‏مجازى نیست، چون آیاتى که به این حیات پرداخته‏اند آثار حقیقى را بر آن‏مترتب کرده‏اند.

بنابراین، این زندگانى، زندگانى حقیقیّى است که داراى آثار ویژه‏اى است‏که خداوند آن آثار را بر آن مترتب نموده است. این حیات اختصاص به‏مؤمنانى دارد که از اعمال صالح برخوردارند. بنابراین این حیات، زندگانى‏نوى است که از سوى خداوند سبحان به مؤمنان افاضه مى‏شود.+++تفسیر المیزان، علامه سید محمدحسین طباطبائى، 20 جلدى (ج 6 منشورات جامعه‏مدرسین+++ این حیات‏چنانکه به نص قرآن اختصاص به مردان مؤمن ندارد، اختصاص به فرد مؤمن‏هم ندارد، بلکه جامعه اسلامى نیز اگر ایمان محور و عامل به واجبات و تارک‏محرمات باشد و در مسیر شریعت اداره گردد نیز تبدیل به حیات طیبه‏اجتماعى و مدینه فاضله اسلامى مى‏شود.

از راه‏هاى کارآمد براى ایجاد و پاسدارى از مدینه فاضله و حیات طیبه‏اجتماعى همگانى شدن امر به معروف و نهى از منکر در جامعه است. ازهمین رو، عقل حکم مى‏کند براى رسیدن به حیات طیبه اجتماعى و تأسیس‏مدینه فاضله اسلامى و حراست و نگاهبانى از آن، امر به معروف و نهى ازمنکر از غربت درآید و نظارت همگانى در جامعه اسلامى احیا شود وگسترش پیدا کند. مولاى موحدان، امام على علیه‏السلام ترک کنندگان امر ونهى را مرده‏اى متحرک دانسته، مى‏فرماید: «مَنْ تَرَکَ انکارَ المُنکَرَ بِقَلبِهِ وَ یَدِهِ وَلِسانِهِ فَهُوَ مَیِّتٌ بَینَ الاَحیاءِ.»+++میزان الحکمة، محمدى رى‏شهرى، ج 6، ص 276میزان الحکمة، محمدى رى‏شهرى، ج 6، ص 276.++1 . تفسیر المیزان، علامه سید محمدحسین طباطبائى، 20 جلدى (ج 6 منشورات جامعه‏مدرسین2 .

نتیجه

از بررسى منابع اسلامى و آثار اندیشمندان مسلمان در باب امر به معروف ونهى از منکر برمى‏آید که دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهى از منکر، دوواجب عقلى‏اند. گرچه تعداد عالمان دینى و فقیهان شیعه که از عقلى بودن این‏دو اصل طرفدارى کرده‏اند از طرفداران سمعى و شرعى بودن این دو اصل‏کمتر هستند. از آنجا که بیشترینه دانشمندان اسلامى ازنظرگاه نقلى بودن حمایت کرده‏اند، پیرامون مبانى عقلى این دو واجب به بیان‏دو قاعده «لطف» و «دفع ضرر» به نحو اجمال اشاره نموده‏اند. این نوشته درحد توان کوشیده است با تقویت دیدگاه عقلى با مراجعه به آیات و روایات وبرخى کتب علماى شیعه تعدادى از مبانى عقلى امر و نهى را استخراج کند.اهم مبانى احصا شده در یک استقراى ناقص عبارتند از: حفظ نظام اجتماعى،دفع ضرر، جلوگیرى از شیوع فساد، منع تسلط اشرار، مصونیت از غضب‏الهى، پیشگیرى از دگرگونى ارزشهاى الهى و پاسدارى از حیات طیبه‏اجتماعى و مدینه فاضله اسلامى.